نشریهٔ
دانشکدهٔ ادبیات تبریز

تابستان سال ۱۳۴۲

بقلم آقای عبدالامیر سلیم

«دستگاه صرف فعل در زبان پارسی میانهٔ جنوبی»

زبانهای ایرانی میانه را بدوقسمت شرقی وغربی تقسیم کرده‌اندوازانجائیکه قسمت عمدهٔ مشرق آن روز ایران فعلا خارج ازحدود ایران کنونی‌است مانیز بحث دربارهٔ انها را بجای دیگری موکول می کنیم .

از زبانهای مغرب ایران آن روز یادگارهائی برای ما باقی مانده است و این‌آثار بزبان شمالی و شمال‌شرقی (پارتی) همچنین بزبان جنوبی و جنوب غربی (پارسی‌میانه) میباشند وما برای رعایت اختصار از زبان اول به «زبان‌میانهٔ شمالی» و از زبان دوم به «زبان میانهٔ‌جنوبی» اقتصارمی کنیم .

منبع مهم ما برای مطالعهٔ این‌دوزبان اثار مانوی تورفان واقع در ترکستان چین است. البته برای زبان میانهٔ شمالی منبع مهم دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از اثار وسنگ نبشته‌های ساسانیان واثارمتفرقهٔ دیگری درداخل‌وخارج‌ایران.

باضافهٔ متن «درخت اسوریگ» که بخط پهلوی نوشته شده‌است و از باقیمانده‌های زبان میانهٔ شمالی است .

علت اینکه‌چرا آثار «پهلوی» را بشمار نیاوردیم این‌است که تاریخ کتابت غالب آثار مکتوب بخط پهلوی قرن نهم میلادی و برخی هم قرنهای پس از آن است گرچه باید اذعان کرد که مطالب مندرجه در کتب پهلوی غالباً از آثار دورهٔ ساسانی است ولی توجه باین نکته مهم است که مؤلفان کتب پهلوی وقتی دست باین کار زدند که این زبان زبانی مرده بحساب میرفت وشاید فقط برای مؤبدان ودانشمندان دینی قابل فهم بود و بهمین دلیل برخی ازمؤلفان که دیگر الفبای پهلوی را که کهنه شده بود وافی برای بیان مطالب خود نمی‌دانستند شروع بنوشتن بخط پازند کردند و مطالعهٔ آثار پازند این احتمال را تقویت می کند که غالب مؤلفین آثار پهلوی بپازند نه خوب پهلوی می‌دانستند و نه‌ازپارسی درست آن روزی بهرهٔ کافی داشتند ، برای مراعات نکات فوق ترم «پارسی میانهٔ جنوبی» بجای پهلوی انتخاب شد .

دستگاههای‌پیچیده‌وسیستم‌های‌بغرنج‌صرف‌افعال که درزبانهای قدیم‌ایرانی‌ازقبیل اوستا[1] وفرس‌قدیم[2] بود جای‌خودرا متدرجاً درزبانهای‌میانه‌بدستگاههایی‌ساده‌تر،درست خیلی نزدیك بآنچه را که در فارسی امروزی رایج‌است، میداد. برخی‌ازافعال ازبن مضارع و باافزودن خواتم شخصی یا بعبارت دیگر ضمیرهای‌متصل فاعلی، بآخر آن ساخته‌می‌شد وبرای‌ساختن سایر افعال یاتنها ازاسم مفعول، که بعبارت علمی‌تر همان وجه‌وصفی‌مجهول‌است وامروزه‌دردستورزبان فارسی به‌سوم شخص مفرد ماضی نامیده می‌شود، ساخته‌میشد ویاترکیبی ازوجه وصفی مجهول وافعال معین‌بود .

۱ــ رجوع شود به : W. JACKSON , AN AVESTA GRAMMAR. STUTTGART, 1892. PP. 127-200 .

۲ــ رجوع شود به : R. G. KENT : OLD PERSIAN, 2nd Newhaven, Edition, 1653. PP. 70-79 .

رایج‌ترین افعال معین درپارسی میانهٔ جنوبی عبارت بودند از : بود، است (و صیغه‌های دیگر این دوفعل)، ایستید (ēsTēd) و ایستاد (ēSTād) . افعالیکه از بن مضارع باافزودن خواتم شخصی زیرین ساخته می‌شدند عبارت بودند از : فعل حال سادهٔ اخباری، فعل امر، فعل آینده وفعل شرطی .

برای راهنمائی بیشتر تذکر داده میشود که ابتدا خواتم شخصی را بصورت Transliteration انگاه با آوانویسی (Transcription) سپس در حالت اتصال بفعل ذکر کرده درخاتمه ترجمه هریك را بفارسی نوشته‌ایم.هر گاه یك‌یاچندحرف را در پارانتز بگذاریم دلیل براین خواهد بود که این کلمه بدو صورت ضبط شده است یکی بصورت موجود بدون توجه کردن به‌پارانتز و دیگری با درنظر گرفتن حروفی که درمیان پارانتز است مثلا خاتمه شخص‌دوم‌مفرد در زمان‌حال سادهٔ‌اخباری چنین‌نوشته شده است y(h)- یعنی خاتمه‌مزبور را می‌توان بدوصورت ēh- و ē-تلفظ کرد. برای امکان مقایسهٔ بیشتر درجدول دیگری[1] معادل خواتم مزبور را در زبان پارتی که همان‌پارسی‌میانهٔشمالی‌است بصورت Tran sli Teration همچنین‌بصورت آوانویسی ومعادل پهلوی را تنها بصورت اول وبدون آوانویسی نقل کرده‌ایم . البته اگر اندازهٔ صفحات این مجلهٔ گرامی اجازه میداد تا کلیهٔ مقایسه‌های فوق را در یکجا ویك‌ردیف انجام میدادیم مقایسه خیلی اسانتر بنظر می‌رسید و از این‌جهت از خوانندگان گرامی پوزش می‌طلبیم . در مواردیکه نتوانستیم فرم فعلی را در متون مربوطه پیدا کنیم باعلامت ستاره فرم فرضی آن درصورت احتمال نگاشته‌شده‌است.

۱ــ در جدولهای بعد از انجائیکه پهلوی‌نویسان غالباً برای نوشتن افعال معین هم از کلمات ارامی‌الاصل استفاده میکردند و افعال را بصورت هزوارش و خواتم شخص را بپهلوی مینگاشتند مانیز ان قسمتهائی را که هزوارش است باحروف‌بزرگ (capiTal LeITer) و بقیه را بصورت ترانسکریپسیون نوشته‌ایم .

خوانم شخصی یا ضمیرهای فاعلی متصل به بن مضارع در پارسی میانهٔ جنوبی

۱ـ فعل زمان حال سادهٔ اخباری :

شخص اول مفرد ym- = -ēm مثال barēm : میبرم

شخص اول جمع ym- ،-ēm=-Wm ،ōm مثال barēm و barōm : میبریم

شخص دوم مفرد y(h)- = -ē (h) مثال barēh و barē : میبری

شخص دوم جمع d y (y) - = ēd - مثال barēd : میبرید

شخص سوم مفرد مانند شخص دوم جمع است مثال barēd : میبرد

شخص سوم جمع nd (y)y) - = - (ē) nd - مثال barēnd : میبرند

۲ـ فعل امر :

شخص دوم مفرد هیچ گونه خاتمه‌ای ندارد و بن مضارع بتنهائی مساوی این صیغه است مثال bar : ببر

شخص دوم جمع مثل شخص دوم جمع و شخص سوم مفرد است یعنی همان barēd است : ببرید

۳ـ فعل آینده:

شخص اول مفرد n د (د) - = -ān مثال barān : خواهم برد

شخص اول جمع m د (د) - = -ām مثال barām : خواهیم برد

شخص دوم مفرد y د - = -āy مثال barāy : خواهی برد

شخص دوم جمع d د (د) - = -ād مثال barād : خواهید برد

شخص سوم مفرد مانند شخص دوم جمع است مثال barād : خواهد برد

شخص سوم جمع nd د - = -ānd مثال barānd : خواهند برد

٤ـ فعل شرطی : تنها یك صیغه از آن باقی مانده است

شخص سوم‌مفرد (h) y (y) - = ēh - . ē-مثال barēh وbarē :(اگر)

برده بود، (اگر) میبُرد ، (اگر) ببرد

در جدول زیر معادل جدول فوق در زبان پارسی میانهٔ شمالی (پارتی) وزبان پهلوی بیان می‌شود .

خواتم شخصی یاضمیرهای فاعلی متصل به‌بن‌مضارع‌درپارسی‌میانهٔ شمالی پهلوی و (پارتی)

	پهلوی	پارتی
۱ـ فعل زمان‌حال‌سادهٔ‌اخباری:		
شخص اول مفرد	(y)m -	-ām = -دm مثال barām : میبرم
شخص اول جمع	ym -	-ām = -د m مثال barām :میبریم
شخص دوم مفرد	yh, eTc. -	-ē ، -ēh = - (y) y (h) مثال barēh و barē : میبری
شخص دوم جمع	yT ! -	-ēd = -(y)yd مثال barēd :میبرید
شخص سوم‌مفرد	مثل شخص دوم جمع است مثال barēd : میبرد	
شخص سوم‌جمع	nd -ynd = - (y)y) - ēnd مثال barēnd : میبرند	
۲ـ فعل امر :		
شخص دوم مفرد	هیچ گونه خاتمه‌ای ندارد وبن مضارع مساوی‌این‌صیغه است مثال bar : ببر	
شخص دوم‌جمع	yT ! - (y)y)d - -ēd = مثال barēd : ببرید	
۳ـ فعل آینده :		
شخص اول‌مفرد	? n د (د) - = -ān مثال barān : خواهم برد	
شخص اول‌جمع	? m د (د) - = -ām مثال darāh : خواهیم برد	
شخص دوم مفرد	? h د (د) - = -āh مثال barāh : خواهی برد	

شخص دوم جمع ? d د د - = ād - مثال barād : خواهیدبرد

شخص سوم مفرد ا T- د (h) - = āh د - ā مثال barāh و barā : خواهد برد

شخص سوم جمع nd د - nd د - = ānd - مثال barānd : خواهندبرد

٤ـ فعل‌شرطی :

شخص سوم مفرد -ēndē د - ēndēh = - y n d (y) y (h) - y d, eTc, مثال barēndē و barē n bēh : (اگر) برده بود ، (اگر) میبُرد و (اگر) ببرد

برای ساختن زمانهای دیگر فعل از وجه وصفی مجهول بتنهائی و یا درحالت ترکیب بایکی ازافعال معین استفاده می‌شد. افعال معین عبارت بودند از «است» از √ah- و «بود» از √bu در مفهوم فعل معین گردیدن و «استید» (ēsTēd) و « ِاستاد» (ēsTād) که هردو از √sTā- درمفهوم‌وجود داشتن‌است. فرمهائیکه از √sTā بعنوان فعل معین بکار رفته است محدود بهمین‌دوفرم سابق‌الذکر است ولی‌صرف‌دوفعل‌معین دیگر یعنی «است» و «بود» بعلت مختصر اختلافی که باصرف افعال اصلی‌دارد درزیر داده می‌شود. پس از نوشتن فرم پارسی میانهٔ جنوبی آوانگاری آن و سپس فرمهای پارسی میانهٔ شمالی (پارتی) وپهلوی بدون آوانگاری داده میشود .

صرف فعل «است» از ریشهٔ ah

۱ـ زمان‌حال‌سادهٔ‌اخباری:	فارسی میانهٔ جنوبی	فارسی‌میانهٔ‌شمالی(پارتی)	پهلوی
شخص اول‌مفرد	hēm = hym	(د)hy(y)m	.HYHm
شخص اول جمع	hōm،hēm=hwm،hym	hymد	.HWHym
شخص دوم مفرد	hē = hy	یd (y)	.HWHyh،eTc.
شخص دوم جمع	hēd = h(y) yd	?	.HWHyT

	فارسی میانهٔ جنوبی	فارسی‌میانهٔ‌شمالی (پارتی)	پهلوی
شخص سوم‌مفرد	asT = ɔsT	ɔsT	ɔYT
شخص سوم جمع	hēnd = hynd	ɔh(y)ynd	.HWHd

۲ـ فعل آینده :

شخص دوم جمع	hād = hɔd	?	.HWHɔT
شخص سوم مفرد	hād = hɔd	?	?
شخص سوم جمع	hānd = hɔnd	?	.HWHɔnd

۳ـ فعل‌شرطی :

شخص سوم مفرد	hē = hy	ɔhynd(y)yh	.HWHyd,eTc:

صرف فعل «بود» از ریشهٔ bū-

۱ـ زمان حال‌سادهٔ‌اخباری :

شخص اول مفرد	bawēm = *bwym	*bwɔm	YHWWNm
شخص اول جمع	dawēm = bwym	*bwɔm	YHWWNym
شخص دوم مفرد	bawē = bwyy	*bWyh	YHWWN yh, eTc.
شخص دوم‌جمع	bawēd = *bwyd	bwyd	YHWWNyT, byT
شخص سوم مفرد	bawēd = bw(y)yd	bwyd	YHWWNyT. byT
شخص سوم جمع	bawēnd = bwynd	bwynd	YHWWNd, bynd

۲ـ فعل امر :

شخص دوم‌مفرد	bāš = bɔš	?	YHWWNš. bɔš
شخص دوم جمع	bawēd = bw(y)yd	bwyd	*YHWWNyTcbyT

۳ـ فعل آینده :

شخص اول مفرد	bawān = bwɔn	bw(ɔ)ɔn	?
شخص اول جمع	bawām = *bwɔm	bw(ɔ)ɔm	?
شخص دوم مفرد	bawāy = bwɔy	bwɔh	?

شخص دوم جمع	bawād = bwɔd	*bw ɔɔd	?
شخص سوم مفرد	bwɔ(ɔ)d bādɔ bawād =	bwɔ (h)	YHWWNɔT,bɔT
شخص سوم جمع	bwɔ nd bānd ɔ bawānd =	*bW ɔ nd	YHWWN ɔ nd, bɔnd

٤- فعل شرطی :

bwyndnh bēh = byh		*YHWWNyd

اینك که صرف افعال ازبن مضارع همچنین صرف افعال معین بیان‌شد بذکر سایر افعال می‌پردازیم :

فعل مجهول حال : برای ساختن فعل متعدی بصورت مجهول در زمان‌حال از وجه وصفی مجهول باضافهٔ زمان‌حال از ریشهٔ -bu استفاده می‌شد . البته این فرم برای آیندهٔ مجهول نیز بکار میرفت :

زده می‌شوم (= کشته می‌شوم)	zd bwym
رفته می‌شود	hrwpT bwyd
بر کشیده می‌شوند	ɔhyxT bwynd

فعل ماضی مطلق لازم : وجه‌وصفی‌مجهول بازمان‌حال‌ازریشهٔ -ah تشکیل فعل ماضی مطلق لازم را میداد و در مورد سوم شخص مفرد نیازی بفعل معین نیز نداشت مثال :

آمدم =	ɔmd hym
آمدی =	ɔmd hy
آمد =	ɔmd

فعل ماضی مطلق متعدی : تذکر این نکته لازم است که درزبانهای‌ایرانی میانه فعل متعدی ماضی بصورت معلوم بکار نرفته‌است و کلاً بصورت مجهول‌می‌باشد وفعل « گفت» دراین زبانها معنی امروزی را نمی‌داد بلکه در معنی « گفته شد » بکار

میرفت و اگر در نظر داشته باشیم که فعل متعدی معلوم فاعل ومفعول دارد باید بدانیم که فاعل درزبان پارسی میانه بصورت عامل (AgenT) ومفعول بصورت نایب فاعل بکار می‌رفته است مثلا بجای «ما ترا دیدیم» این جمله بکار میرفت ɔwmɔn Tw dydhy = و (بوسیله) ما تو دیده شدی .

باذکر این مقدمه اشکار است که فعل ماضی مطلق متعدی مانند فعل ماضی مطلق لازم ترکیبی ازوجه وصفی مجهول بازمان حال ازریشهٔ -ah است بااین‌تفاوت که گاهی ازذکر فعل معین نیز صرف‌نظر و بهمان وجه وصفی مجهول اکتفا می‌شد. مثال :

و [بوسیلهٔ] شما من پوشیده شوم = ɔwTɔn py mwxT hym

یعنی شما مرا پوشیدید

و [بوسیلهٔ] شاه پیام فرستاده شد ɔwd šɔh pygɔm prysTɔa

یعنی شاه پیام فرستاد

و [بوسیلهٔ] او گفته شد ɔw š gwpT

یعنی او گفت

و [بوسیلهٔ] ما تو نجات نیافتی ɔwmɔn ny bwxT hy

یعنی ما تو را نجات ندادیم

فعل ماضی نقلی : برای ساختن این فعل نیز از وجه وصفی مجهول باضافهٔ سوم شخص مفرد زمان حال از ریشهٔ -sTā یعنی ēsTēd استفاده می‌شد .

مثال :

گفته شده است = gwpT ʾysTye

فعل ماضی بعید : برای ساختن این صیغه نیز ازوجه وصفی مجهول باضافهٔ وجه وصفی مجهول از ریشه‌های -sTā و bu یعنی ēsTād و būd بکار میرفت .

مثال :

رفته بود = rpT bwd = rpT ʿysTɔd

گفته بود = gwpT bwd = gwpT ʿysTɔd

درخاتمه متذکر میشود که فعل ماضی مطلق درپاره‌ای‌ازموارد بجای فعل‌ماضی بعید نیز استعمال شده است .

تذکر : ارزش فونتیکی پاره‌ای از علامات بقرار زیر است :

H. = ح

Š = ش

ʿ = ع

ʿy = ē

د = í وآ

دد = آ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی